

نگاه نزدیک به مردان و «انواع مردانگی»: مشارکت فعال مردان در برابری جنسیتی

۱۴ سال
تحقیق باکیفیت



لیا ویلفردا آر ای پیلانگو، چونا آر اجاوز، پرویز طفیل و سید مهدی موسوی

سرطان ۱۳۹۵

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان و کمیته سویدن برای افغانستان (SCA) مطالعه مشترک را درباره چگونگی پرداختن به مردانگی ها و خصوصیات آن در افغانستان روی دست گرفتند تا در هر دو سطح سیاست گذاری و اقدامات اجرایی، آگاهی دهی صورت گیرد. مردانگی به نحوه برداشت و تلقی مردم از خصوصیات مرتبط با مرد بودن اشاره دارد. هدف کلی این پژوهش درک مفاهیم مختلف در مورد مرد بودن و همچنین چگونگی سهم گیری این مفاهیم در نابرابری جنسیتی در افغانستان است. در این مطالعه به نقش های پسران و مردان، برابری، قدرت، کنترل و خشونت علیه زنان پرداخته شده است؛ این مقوله ها در بررسی مردانگی و همچنین دستیابی به برابری، صلح و توسعه پایدار بسیار مهم می باشند.

لازم است که تفاوت در میزان دسترسی زنان و دختران افغان به فرصت ها چه در سطح خانواده و چه در سطح اجتماع مورد بررسی قرار گیرد. افغانستان به عنوان یکی از ۱۹۳ کشور عضو سازمان ملل متحد برای بهتر ساختن زندگی زنان و کودکان در این کشور باید پالیسی ها و برنامه های خود را هر چه بیشتر بهبود بخشیده، تحکیم نماید.

تعاریف فرهنگی موجود در ارتباط با ویژگی های مرد بودن [مردانگی ها] و زن بودن [زنانگی ها] در افغانستان از نسل به نسل دیگر انتقال یافته و در زمینه و ساختار این جامعه ریشه دوانده است. تهدیدهای کنونی نسبت به زنان و دختران افغان از ناحیه رفتارها و ارزش های عنعنوی باعث سرکوب شدن و آنها را در برابر خشونت ها آسیب پذیر ساخته است. علیرغم موجودیت پالیسی های مبتنی بر جنسیت در افغانستان، نابرابری ها برای زنان در مقایسه با مردان به خصوص در مواردی از قبیل میزان دسترسی به آموزش، خدمات صحتی و اشتغال همچنان وجود دارد. پالیسی ها هنوز در توجه و بهره گیری از آن دسته تحقیقات ناکام مانده که مزایای دخیل ساختن مردان و پسران در برنامه های برابری جنسیتی و جلوگیری از خشونت علیه زنان را برجسته می سازند.

برابری جنسیتی پیش شرط تأمین صحت و تحقق توسعه بوده و از این رو محرک اقتصاد کشور نیز به حساب می آید. این موضوع به روشنی در سند اهداف توسعه پایدار به خصوص بند شماره پنج آن یعنی «دست یافتن به برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان و دختران» تصریح شده است.

در حال حاضر سکوت و بی تفاوتی ناپذیرفتنی در رابطه با خشونت و تبعیض گسترده علیه زنان و دختران، جامعه را فرا گرفته است. این باور به واسطه یافته های این مطالعه تأیید شده است؛ آنجا که نشان داده می شود بیشتر زنان، فرهنگ خشونت مبتنی بر مردانگی را پذیرفته اند. این امر از سویی نشان می دهد که تا چه اندازه چنین تصویری به شکل عمیق ریشه کرده اند و از سوی دیگر اهمیت آگاهی بخشی به زنان و دختران را در رابطه به نقش آنها در دستیابی دوباره به عزت نفس و اعتماد برجسته می سازد.

گزارش که با حمایت هیئت معاونیت سازمان ملل متحد در افغانستان (UNAMA) و دفتر کمیشنر عالی سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر (OHCHR) نشر شده، مدعی است که این سکوت و بی تفاوتی تلویحاً به نفع کسانی است که قصد دارند اقتدار خود را با محدود کردن زنان به انجام کارهای خانه و منزلت پایین اجتماعی حفظ کنند؛ آن همچنین نظام های تبعیض آمیز را تأیید می کند که خشونت علیه زنان را مورد اغماض قرار می دهند.

سکوت یعنی تنها گذاشتن زنانی که آگاهانه برای ایفای نقش فعال در جامعه افغانستان و ارتقای حقوق زنان خطرات را می پذیرند.^۱

عمومیت داشتن ویژه گی های مرد بودن در افغانستان، شمولیت مردان و پسران را در گفتگو درباره تأثیرات این ویژه گی ها بر آنها و همچنین پیامدهای آن بالای زندگی زنان ضروری می سازد. مردان مسوولیت دارند تا در پارادایم یا چارچوب [جنسیتی] موجود تغییر آورده و با به چالش کشیدن یکدیگر به از میان برداشتن پذیرش اجتماعی «مردانگی زیان آور» کمک کنند. بدون این مباحثه، سکوت نشانه رضایت است؛ مردان هم بخشی از مشکل و هم جزئی از راه حل اند. چنین گفتگویی در سطح منطقه ایجاد شده است ولی اکنون نیازمند تأثیرگذاری و گسترش بیشتر است و البته باید حکومت از طریق سیاست گذاری از آن حمایت کند.^۲

۱ هیئت معاونیت سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما) و دفتر کمیشنر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد و دفتر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد (OHCHR)، «سکوت، خشونت است: به بدرفاری با زنان در افغانستان خاتمه دهید»، "Silence is Violence End the Abuse of Women in Afghanistan" (یوناما: ۲۰۰۹). بازیافت از <http://goo.gl/VgOiuM> (دسترسی در تاریخ ۲۲ سپتامبر ۲۰۱۵).

۲ ناتالی گیته، «مردانگی، مردان را تعریف می کند، نه برعکس آن» - چرا گفتگو پیرامون «مردانگی» بسیار مهم است؟

"Masculinity Defines Men, Rather Than the Reverse- Why the "Masculinity" is so Important?"، هافتنینگتون پست (۲۰۱۳)، بازیافت از <http://goo.gl/q787Fj> (دسترسی در تاریخ ۱۲ جولای ۲۰۱۵).

تأثیرات سیاست گذاری دخیل ساختن مردان و پسران جوان به عنوان شرکای برابری جنسیتی

۱- نیاز به بازبینی تمام قوانین وجود دارد که در افغانستان به توافقنامه های بین المللی از قبیل سند اهداف انکشاف پایدار، کنوانسیون رفع انواع تبعیض علیه زنان (CEDAW)، برنامه عمل پکن، کنوانسیون حقوق اطفال و دیگر پروتوکول ها متکی اند؛ این بازبینی از آن جهت ضروری است تا اطمینان حاصل شود که این قوانین به شکل روشن پاسخگوی مسایل خشونت مبتنی بر جنسیت همچون رفتارهای پرخطرگانه در خانه و آسیب پذیری زنان در برابر «بد»^۳ و «بدل»^۴ هستند.

۲- نیاز است تا زمینه بحث قضایی درباره مفاهیم اسلامی مرتبط با عدالت اجتماعی فراهم گردد؛ مفاهیمی که منافع و خواسته های زنان را از قبیل دسترسی برابر و عادلانه به فرصت ها و رهبری در سطح خانواده و اجتماع در اولویت قرار می دهد. بر علاوه، ضرورت است تا به ساختار شکنی تحقیرهایی پرداخت که نسبت به زنان در مردانگی های افغان جای گرفته است. به عنوان مثال «زنچو»^۵ در دری و معادل آن «ترنسخی» در زبان پشتو برچسب تحقیرآمیزی است برای مردان که تصور می شود کارهای مربوط به زنان را انجام می دهند.

۳- ضرور است تا قانون خانواده در مورد معیارها و کدهای قبیله یی جهت مبارزه با عمل های زیان آور نهفته شده در مردانگی های افغان مرور گردد؛ به عنوان نمونه در وضعیتی که زنان نمی توانند بدون قطع رابطه با اعضای خانواده، ادعای میراث نمایند. این یافته نشان می دهد که چگونه طلب میراث از خویشاوندان مرد از سوی زن، اختلاف و شکاف خانوادگی را سبب می شود.

مداخلات از طریق تطبیق برنامه ها

۱- نیاز به همسرانی و پخش بیشتر یافته های این مطالعه به منظور رهنمایی سیاست گذاران جهت رسیدگی به مسائل مرتبط با نابرابری جنسیتی و خشونت مبتنی بر جنسیت که از مفاهیم سخت مردانگی نشأت گرفته اند.

۲- نیاز است تا مردان و پسران به سمت بهترین الگوها و رفتارهای مردانگی ترغیب شوند، موضوعی که در افغانستان، عنصر انکشافی جدید به شمار می آید. قبل از طراحی هر نوع مداخله و برنامه، شناسایی اقدامات مشابه که به شکل موفقانه در سایر کشورها همچون پاکستان، بنگله دیش و هندوستان تطبیق شده اند، کمک کننده است. یافتن ترکیبی از بهترین الگوها و اقدامات تطبیق شده در کشورهای مشابه افغانستان، برنامه های مرتبط [با مردانگی و برابری جنسیتی] در این کشور را نیز می تواند حمایت نماید. و البته هم حکومت و هم سازمان های غیر حکومتی می توانند به عنوان بخشی از هر سه پروسه ذیل در نظر گرفته شوند:

- یافتن تلفیق از بهترین اقدامات و برنامه های تطبیق شده؛

- کاربرد این اقدامات و برنامه ها در افغانستان؛

- مرور و تجزیه و تحلیل.

۳- نیاز است تا برنامه هایی به منظور تغییر در نگرش و رفتار های مردان و پسران طراحی گردد. این برنامه ها باید اهمیت کمک به دختران و زنان را در کسب اعتماد به نفس و افزایش عزت نفس برجسته ساخته و طوری طراحی گردند که چه در سطح ولایتی و چه در سطح محلی، به از میان برداشتن مفهوم «هژمونیک» یا تفوق طلبانه و «کلیشه» ای مردانگی کمک نماید. هر برنامه می تواند شامل مجموعه گفتگوها در سطح اجتماع، سمینارها، کنفرانس ها و نشست های رهنمایی، آموزشی، مقاله نویسی و همچنین توسعه آموزش معلوماتی و ارتباطی باشد. بر علاوه، این برنامه ها می تواند پیام هایی را پخش کنند که بر مشارکت مساویانه مردان در فعالیت های خانوار تمرکز دارد؛ این پیام ها را می توان با استفاده از کانال های ارتباطی و نشراتی همچون رادیو، تلویزیون، روزنامه، پوستر، تابلوی تبلیغاتی، طراحی، تئاترهای خیابانی و تیلیفون پخش نمود. چنین پیام ها می توانند بر آموزه های قرآنی و احادیث پیامبر (صلی الله علیه و سلم) استوار باشند.

۴- نیاز است تا برنامه آموزشی روی دست گرفته شود که بر تجارب گروهی مردان که از نظر سن، موقعیت، پایگاه اجتماعی و منافع مشابه هستند متکی بوده و از قدرت الگوی نقش یا «رُل مدل» بهره گیرد. بر علاوه، این برنامه آموزشی باید در برابر نیازهای مختلف انعطاف پذیر باشد. آموزش های گروهی مردان و پسران جوان با ویژه گی های سنی و اجتماعی تقریباً مشابه می تواند آنها را در توسعه گرایش های مثبت جهت اتخاذ تصمیم سالم ترغیب نماید. این برنامه می تواند برای مکاتب، انستیتوت ها، دارالمعلمین، دانشگاه ها و نهادهای مذهبی طراحی شود. در این راستا گروه های منتخب از مردان و پسران می توانند برای همقطاران خود به عنوان مربیان و فعالان برابری جنسیتی آموزش داده شوند.

۵- نیاز است تا برنامه های حمایت روانی برای پسران و مردان تدوین شود. یکی از دلایل نیاز به تدوین این برنامه ها، وجود ویژگی های سخت مردانگی و معیارهای اجتماعی مربوط به مردان و پسران است. [به عنوان مثال] مردان اجازه ندارند تا گریه کرده و اندوه شان را ابراز نمایند؛ این امر دارای پیامدها و تأثیرات روانی و عاطفی برای آنهاست. همچنان، ضرور است تا از طریق مشوره دهی مسلکی و آرایه خدمات درمان روانشناختی، مردان و پسران به توانایی دست یابند تا مفاهیم سخت مردانگی را از میان بردارند؛ بدین منظور علل رفتارهای پرخطرگانه خشونت آمیز باید آشکار گردند. در چارچوب چنین برنامه ها، مردان و پسران می توانند نحوه مدیریت استرس و خشم، مهارت های ارتباطی بدون خشونت و صحت عاطفی را فرا گیرند. این برنامه ها به شکل مستقیم با شیوه پدری ارتباط می گیرد که با ارزش ها و رفتار های مثبت و پرهیز از خشونت های مبتنی بر جنسیت همراه است. برنامه های صحت روانی مبتنی بر حساسیت های اجتماعی-فرهنگی برای مردان به منظور جلوگیری از خشونت های خانوادگی و اجتماعی، آزار و اذیت جنسی و سوء استفاده از قدرت یک ضرورت به حساب می آید.

۳ بد، رویه سنی «حل و فصل یک مناقشه از طریق به ازدواج دادن دختر از خانواده شخصی که مرتکب [قتل] شده به یکی از مردان خانواده قربانی تا از منازعه میان خانواده ها جلوگیری شود». در اینجا عروس به حیث خون بها تلقی می گردد. این رسم همچنین ممکن است زمانی به اجرا درآید که دختر جوان همراه با پسری که نمی توانند بنا بر محدودیت ها با هم ازدواج کنند، فرار می کنند. در این وضعیت، خانواده پسر باید یکی از دختران جوان خود را جهت حل و فصل مناقشه به خانواده دختر بدهد. «اگرچه بد دادن در میان اجتماعات مختلف در سرتاسر کشور ممکن است اجرا شود، بر اساس قوانین افغانستان عمل غیر قانونی به حساب می آید».

۴ بدل به معنی تبادل یا معاوضه؛ «شکلی از ازدواج که در آن خانواده ها دخترهایشان را در ازدواج تبادل می کنند و این کار اغلب به خاطر اجتناب از پرداخت شیربها یا گله انجام می شود».

۵ زنچو در اصطلاح به مردی اطلاق می شود که رفتار مناسب برای زنان یا شبیه آنان تلقی می شود. [در فرهنگ عامیانه افغانستان] این واژه همچنین به مردی اشاره دارد که به همسرش در انجام کارهای خانه کمک می کند؛ در چنین حالتی او نه تنها «مرد واقعی» دانسته نمی شود بلکه این امر مردانگی او را نیز کاهش می دهد.

۶- نیاز است تا اتحاد ملی مردانگی، متشکل از سازمان های هم نظر با هدف تعریف شده جهت ساختار شکنی خصوصیات مردانه ایجاد شود تا این سازمان ها بتوانند زندگی کودکان که پدران فردا هستند را شکل داده و پسران را به عنوان پدران، برادران و بزرگان عاری از خشونت پرورش دهند. این اتحاد می تواند آن دسته از اهداف معین حکومت و همچنین تطبیق برنامه هایی را در دستور کار قرار دهد که نقش مردان را در قسمت پدري و مراقبت کردن تشویق نموده و به سهم گیری کامل مردان در صحت طفل و مادر و حقوق و صحت جنسی و ولادی توجه می نمایند.

۷- نیاز است تا برنامه ریزی جامع به منظور دخیل سازی مردان و پسران در یک اجندای ملی آغاز شود. از آن جایی که بسیاری از منابع تمویل کننده ملی و بین المللی از طرح های متمرکز بر توانمندسازی زنان حمایت می کنند، ضرور است در بخش توسعه، رویکرد همه جانبه اتخاذ شود. منابع تمویل کننده بایستی منابعی را در حمایت از دخیل سازی مردان و پسران در موارد ذیل اختصاص دهند:

- ایجاد فضای توانبخش برای زنان و دختران؛

- ارتقای برنامه های فراگیر مربوط به برابری جنسیتی و عدالت اجتماعی از قبیل تغییرات در قوانین و سیاست ها.

این کار باعث ایجاد هماهنگی میان منابع تمویل کننده نیز می شود.

۸- نیاز است تا میان نهادهای مدنی و حکومتی به خصوص وزارت امور زنان و وزارت اطلاعات و فرهنگ هماهنگی به وجود آید و برنامه هایی تقویت شود که به ساختار شکنی خصوصیات مردانگی مرتبط با نابرابری جنسیتی و خشونت علیه زنان و کودکان می پردازد. این برنامه به مثابه آموزش مهارت های زندگی (یا آموزش های فراگیر جنسی) باید دربرگیرنده همه افراد اعم از مردان و زنان به شکلی باشد که آنها با همکاری یکدیگر مفاهیم و مفکوره های مرتبط با مردانگی را مورد بررسی قرار دهند؛ به خصوص در قسمت هایی که مردان به دلیل عدم برآورده ساختن توقعات و انتظارات جنسیتی جامعه، احساس نقص و کمبود کرده و از خود واکنش نشان می دهند. تطبیق چنین برنامه هایی می تواند عدم پذیرش خشونت خانگی را هر چه بیشتر تقویت نماید.

۹- معرفی برنامه های مبتکرانه در زمینه «گسترش جنسیت» در نصاب تعلیمی مکاتب، مؤسسات تحصیلات عالی و دانشگاه ها (وزارت معارف و وزارت تحصیلات عالی) که نقش های مردان و زنان را از نو تعریف نمایند؛ به عنوان مثال تعریف نقش های زنان در موقعیت های رهبری و حقوق پسران و دختران به شکلی که دیدگاه های سنتی ترویج کننده نابرابری و خشونت جنسیتی ریشه کن گردد. به منظور تحقق این امر نیاز است تا چهارچوب نصاب تعلیمی، مسائل مربوط به جنسیت را مورد توجه قرار داده تا معلمان، والدین و شاگردان معنای برابری جنسیتی را درک نمایند. نهادهای آکادمیک، نصاب تعلیمی و اساتید، رویکرد چرخه زندگی کودکان را شکل می دهند. معلمان در جریان تجارب زندگی، مثال های روزمره و نصاب تدریسی به شکل ناخواسته می توانند مفاهیم سنتی مردانگی را تقویت کنند.

۱۰- بهره گیری از قدرت و تأثیر رسانه های جمعی و شبکه های اجتماعی جهت آگاهی دهی به جوانان درباره آن دسته از مفاهیم مرتبط با مردانگی که می تواند برابری جنسیتی را گسترش دهد. در این زمینه، در قالب خدمت عامه، شرکت های مخابرات تیلیفون همراه [موبایل] تحت مدیریت وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی و وزارت اطلاعات و فرهنگ با همکاری سازمان های خصوصی و جامعه مدنی، می توانند پیام های مشورتی مرتبط با برابری جنسیتی را منتشر سازند. برای درک مفهوم مردانگی همچنین ضرور است تا از آموزش رسانه ای در قالب انتشارات چاپی و الکترونیک، رسانه های اجتماعی و انترن و تیاتر بهره گرفته شود. در این راستا بهترین جایزه به آن عده از فلم های مستند، رمان ها، کتاب ها یا داستان ها، فلم ها یا نمایشنامه هایی داده شود که در ساختار شکنی مفهوم متعارف مردانگی در افغانستان سهم می گیرند.

۱۱- در پروسه تغییر ارزش ها و معیارهای جنسیتی مردانه که در ساختار سنتی اجتماعات افغانستان موجود است متنفذین کلیدی محل باید سهیم گردند. این بازیگران شامل ملک های قریه، وکیل های گذر، بزرگان، رهبران دینی و مذهبی، معلمان و شوراهای مردم محل و جوانانی است که مراجع تصمیم گیرنده یا الگوهای نقش دانسته می شوند. مشارکت این اشخاص برای تأمین روابط جنسیتی منصفانه در اجتماعات محلی، حیاتی است. آن دسته از روحانیون، امامان مساجد و علمای دین که می توانند در تغییر نگرش های جنسیتی، تسهیل گران مهم قلمداد شوند باید توسط وزارت ارشاد، حج و اوقاف استخدام شوند. این که مردان از سایر مردان بخواهند تا [در الگوهای جنسیتی] تغییر به وجود آورند و دلایل و فوائد این تغییر را برای همدیگر تشریح کنند، بسیار تأثیرگذار است. همچنان، باید فرصتی برای مردان و زنان فراهم شود تا درباره مردانگی های افغان و اینکه خصوصیات مردانگی چگونه در پی فشارهای اجتماعی صحت و آسایش مردان را متأثر می سازد گفت و گو کنند.

پیشنهادات

- پژوهش حاضر اگرچه بینش هایی را در مورد دلایل بیان شده از سوی مردان و زنان درباره خشونت خانگی ارایه می کند، اما مطالعات تکمیلی می توانند انواع مختلف خشونت مبتنی بر جنسیت و عوامل محرک آن را مورد بررسی قرار دهند. در این زمینه، بهره گیری از روش های تحقیقی مشارکتی و حساس به جنسیت سودمند خواهد بود.
- ضرورت است تا مطالعه عمیق در مورد تأثیرات مداخله نظامی کشورهای غربی بر سیاست گذاری های جنسیتی در افغانستان و نیز واکنش های مردان در قبال این مسائل صورت پذیرد.
- نیاز است تا انواع مردانگی ها در جامعه افغانستان همراه با موضوع «حقوق و صحت جنسی و باروری» از دیدگاه مردان و زنان مطالعه شود؛ به عنوان نمونه اینکه در دسترسی به خدمات صحتی چه نیازها، مسائل، مشکلات و موانعی وجود داشته است؟ نقش و سهم مردان در برنامه تنظیم خانواده چیست؟ «تحقیق همتایان» در میان جوانان، رویکرد دیگری است که در مطالعات بعدی می تواند از سوی کسانی مورد استفاده قرار گیرد که در فضای امن برای تبادل نظر، علاقمند بررسی مسائل مرتبط به «حقوق و صحت جنسی و باروری»، «خشونت مبتنی بر جنسیت» و «خشونت جنسی» هستند.
- به صورت عمومی، این مسوولیت مشترک سازمان های مدنی، اجتماعات، دونه ها یا منابع تمویل کننده و پالیسی و برنامه هاست که در جهت تغییر رفتار و نگرش های مردان و پسران به سمت برابری جنسیتی سرمایه گذاری کنند.

در باره نویسندگان

لیا ویلفردا آر ای پیلانگو (مستر علوم اجتماعی) محقق و هماهنگ کننده تمویل کنندگان واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، رییس بخش تحقیقات پوهنتون بوهول (Bohol) در فیلیپین و مشاور برای کشور های جنوب شرق آسیا است.

چونا آر. اچاوز (دکتر در جمعیت شناسی) در حال حاضر رییس موقت، معاون بخش تحقیقات واحد تحقیق و ارزیابی و افغانستان و متخصص امور جنسیت بوده که به عنوان مشاور نیز در نواحی آسیا پاسفیک و جنوب شرق آسیا کار کرده است.

پرویز طفیل (مستر روان شناسی) رییس واحد حقوق بشری کمیته سویدن در افغانستان و متخصص امور جنسیت و حقوق بشری بوده و در بخش های توسعه برنامه، نظارت و آموزش نیز دارای تخصص است.

سید مهدی موسوی (مستر در علوم اجتماعی- تحقیقات اجتماعی) پژوهشگر ارشد در بخش جنسیت واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان است. وی همچنین مرحله پایانی دوره دکترای جامعه شناسی در دانشگاه حاجتیه (Hacettepe) ترکیه را می گذراند.

شیوه پیشنهادی برای استناد به پالیسی نامه:

پیلانگو، لیا ویلفردا آر ای، چونا آر. اچاوز، پرویز طفیل، و سید مهدی موسوی. "نگاه نزدیک به مردان و «انواع مردانگی»: مشارکت فعال مردان در برابری جنسیتی." کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۱۳۹۵.

همچنین لازم به ذکر است که متن کامل مطالعه ای که مبنای این پالیسی نامه است با عنوان "سوی دیگر نابرابری جنسیتی: مردان و خصوصیات مردانگی در افغانستان" در وب سایت واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان از طریق آدرس های ذیل قابل دسترس است:

<http://goo.gl/TtAw4G>

<http://goo.gl/AGA7G7>

شماره استاندارد بین المللی کتاب (نشر الکترونیکی): ۹۷۸-۹۹۳۶-۶۲۸-۱۱-۳

ISBN 978-9936-628-11-3



9 789936 628113